

قربانی در حج تمتع

<"xml encoding="UTF-8?">

قربانی، محل و مصرف آن

اصل «وجوب ذبح قربانی در حج تمتع» از مسائل مسلم در فقه شیعه و مورد اتفاق همه فقیهان است. قرآن کریم و نیز روایات متعدد، به صراحت بر وجوب آن دلالت دارد.

خدای متعال می فرماید:

«فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» (1)

لازم به گفتن است که ما در این مقال در پی اثبات اصل «وجوب قربانی» نیستیم بلکه بر آنیم که با استفاده از منابع معتبر دینی، درباره «مکان و کیفیت مصرف آن» مطالبی را تقدیم کنیم.

مکان قربانی فقیهانی چند، تنها به ذکر «منا» به عنوان مکان ذبح اکتفا کرده و در این باره که «آیا در غیر منا نیز می توان ذبح کرد یا نه» سخنی نگفته اند. مرحوم شیخ صدوق در اعمال منا می نویسد:

«ثُمَّ امْضِ إِلَى مَنِي... ثُمَّ اشْتَرِ هَدِيَّك...» (2)

شیخ مفید می نویسد:

«فَإِذَا طَلَّتِ الشَّمْسُ فَلْيَفْضِ مِنْهَا إِلَى مَنِي... ثُمَّ يَشْتَرِ هَدِيَّه...» (3)

ابوالصلاح حلبی می نویسد:

«ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَنِي فَيَشْتَرِ هَدِيًّا لِمَتَعَتِهِ إِنْ كَانَ مَتَمَتَّعًا» (4)

گروهی دیگر از فقیهان تصریح کرده اند که ذبح واجب برای حج تمتع، در غیر منا جایز نیست و اولین فقیهی که به این مطلب تصریح نموده مرحوم شیخ طوسی است، آن فرزانه جاوید چنین فرموده است:

«الهدى واجب على المتمتع بالعمرة إلى الحج... ولا يجوز أن يذبح الهدى الواجب فى الحج إلا بمنى» (5)

پس از مرحوم شیخ، ابن ادریس - رحمه الله - به این مطلب تصریح کرده، می نویسد:

«ولا يجوز أن يذبح الهدى الواجب إلا بمنى يوم النحر أو بعده، فإن ذبح بمكة أو بغير منى لم يجزه» (6)

ادله وجوب ذبح در منا:

مهمترین دلیل وجوب ذبح در منا، روایات رسیده از پیامبر - ص - و امامان معصوم - علیهم السلام - است. لازم است ابتدا روایات را نقل کرده و از نظر سند و دلالت مورد دقت قرار دهیم و آنها را جمع بندی نماییم.

روایات رسیده در این موضوع را به چند دسته می توان تقسیم نمود:

1 - روایاتی که دلالت دارد بر وجوب ذبح بر حاجی و زائری که حج تمتع انجام می دهد، و از محل ذبح سخنی به میان نیاورده است؛ مانند روایت زرارۃ بن اعین:

«عن زرارۃ بن اعین، عن أبی جعفر - ع - فى المتمتع، قال عليه الهدى»؛ (7)

زراره از امام باقر - ع - در مورد متمتع می پرسد، حضرت می فرماید: «بر او لازم است قربانی کند.»

2 - دسته دیگر روایاتی است که به صراحت دلالت می کند بر وجوب ذبح در منا و عدم کفایت ذبح در غیر منا؛ مانند روایات ذیل:

الف: عن ابراهيم الكرخي عن أبي عبد الله - ع - في رجل قدم بهديه مكة في العشر فقال: «إن كان هديا واجبا فلا ينحره إلا بمني»؛ (8)

ابراهیم کرخی از امام صادق - ع - در مورد کسی که هدی (قربانی) را در دهه اول ذیحجه به مکه آورده سؤال می کند، حضرت پاسخ می فرماید: «اگر هدی، هدی واجب است جز در منا حق ندارد قربانی کند.» این روایت از نظر سند مشکل دارد و ابراهیم کرخی توثیق نشده است.

ب: عن مسمع عن أبي عبد الله - ع - قال: «مَنِي كُلُّهُ مَنْحَرٌ...»؛ (9)
مسمع از امام صادق - ع - نقل می کند که آن حضرت فرمود: «همه جای منا قربانگاه است...» در سند این روایت لؤلؤی واقع شده که وی تضعیف گردیده است.

ج: عن عبد الأعلى قال: قال أبو عبد الله - ع - : «لا هدى إلا من الإبل ولا ذبح إلا بمني»؛ (10)
این عبدالأعلى مردّد است بین «عبدالأعلى بن اعين بجلي» که توثیق شده، «عبدالأعلى بن اعين» آل سام که تضعیف گردیده است. بنابراین روایت از اعتبار می افتد.

د: عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله - ع - في رجل يضلّ هديه فوجده رجل آخر فينحره، فقال: «إن كان نحره بمني فقد أجزأ عن صاحبه الذي ضلّ عنه وإن كان نحره في غير مني لم يجز عن صاحبه». (11)
این روایت از نظر سند صحیح است.

3 - دسته سوم روایاتی است که دلالت دارد بر این که قربانی کردن در مکه نیز جایز است؛ مانند:
عن معاوية بن عمار، قال: قلت لأبي عبد الله - ع - : «إن أهل مكة أنكروا عليك أنك ذبحت هديك في منزلك بمكة، فقال: إن مكة كلها منحر». (12)
این روایت از نظر سند مشکلی ندارد.

4 - دسته چهارم آیه قرآن و روایتی در تفسیر آن است که دلالت دارد منا مکان ذبح است اما از بیان این که در غیر منا ذبح جایز است یا نه، ساکت است.
خدای متعال می فرماید:

«اتموا الحج والعمرة لله فإن أحصرتم فما استيسر من الهدى ولا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى محله». (13)
از آیه اجمالا فهمیده می شود که برای قربانی محل خاصی است اما آن محل کجا است، آیه بر آن اشاره نکرده، و در روایت معتبری «محل» به «منا» تفسیر شده است:

عن زرعة قال: «سألته عن رجل أحصر في الحج، قال: فليبعث بهديه إذا كان مع أصحابه ومحله أن يبلغ الهدى محله ومحله مني يوم النحر إذا كان في الحج» (14)

اگر از آیه به ضمیمه روایت فهمیده شود که محل ذبح «منا» است و در غیر منا ذبح صحیح نیست، این دسته به دسته دوم از اخبار ملحق خواهد بود و دسته مستقلی محسوب نمی گردد.

جمع بندی روایات:

روایات دسته اول که از محل ذبح سخن به میان نیاورده و دسته چهارم، با گروههای دیگر هیچگونه تنافی ندارد،

مهم جمع میان روایات دسته دوم و چهارم با دسته سوم است. دسته دوم و چهارم دلالت می کنند که ذبح در خارج از منا کفایت نمی کند و دسته سوم دلالت دارند بر کفایت ذبح هدی (قربانی) در مکه که لازمه اش جواز ذبح در خارج منا است.

باید دید چگونه میان این دو دسته از روایات می توان جمع کرد.

برای جمع بندی این دو گروه از روایات، شیوه های مختلف پیش گرفته شد. جهت دست یافتن به راه حل صحیح لازم است این شیوه ها را با معیارهای فنی محک زده و سره را از نا سره جدا سازیم. و اینک به طرح و رسیدگی این راه حل ها می پردازیم:

1 - راه حل پیشنهادی شیخ طوسی مرحوم شیخ طوسی بعد از نقل روایت معاویه بن عمار، در مقام جمع بندی می نویسد:

«فلیس فی هذا الخبر أنَّه ذبح هدیة الواجب ویحتمل أن یکون هدیة کان تطوَّعا وذلک جائز ذبحه بمکة بدلالة الخبر الأوّل والحکم بالخبر الأوّل أولى لأنَّه مفصّل وهذا الخبر مجمل محتمل». (15)

این روایت دلالت ندارد که امام قربانی واجب را در مکه ذبح نموده و احتمال دارد هدی مستحبی بوده، و روایت اول (ابراهیم کرخی) دلالت دارد که قربانی مستحب را حاجی می تواند در مکه ذبح کند. [و در صورت تعارض] اولی این است که طبق خبر اوّل حکم شود زیرا خبر اوّل (روایت ابراهیم کرخی) میان واجب و مستحب تفصیل داده و این خبر از این جهت مجمل است و هر یک از واجب و مستحب را محتمل است.

بعد از شیخ این توجیه در کلام فقیهان رایج شده و تعدادی از فقیهان با حمل روایت معاویه بن عمار بر هدی مستحب، دو دسته روایات را جمع کرده اند. (16)

اشکال محقق اردبیلی بر راه حل شیخ

مرحوم محقق اردبیلی بعد از نقل راه حل شیخ می نویسد:

«وفی هذا التأویل تأمل لعدم ظهور سند الخبر الأوّل و ظهور کون الثانی فی هدی التمتع و لو لم یکن اجماع لکان القول بالجواز فی مکة جیدا» (17)

«این تأویل شیخ مورد تأمل است زیرا سند خبر اوّل «ابراهیم کرخی» روشن نیست [چون ابراهیم کرخی مجهول است] و روایت معاویه بن عمار هم ظهور در حج تمتع دارد. و اگر اجماعی نباشد قول به جواز ذبح قربانی در مکه پسندیده خواهد بود.»

بررسی روایات دسته اوّل منحصر در روایت ابراهیم کرخی نیست تا به خاطر ضعف سند کنار گذاشته شود بلکه در میان آن روایات، روایت صحیحه ای نیز وجود دارد؛ مانند صحیحه منصور بن حازم که دلالت دارد بر عدم جواز ذبح در غیر منا.

2- راه حل پیشنهادی محقق سبزواری، نراقی و صاحب حدائق مرحوم محقق سبزواری در مقام جمع بندی روایات و بعد از نقل جمع بندی شیخ می نویسد:

«ویحتمل حملها علی سیاق العمرة یؤیّده ما رواه الشیخ فی الموثق عن إسحاق بن عمار أنَّ عبّاد البصری جاء إلی أبی عبدالله - ع - وقد دخل مکة بعمرة مبتولة وأهدی هدیا، فأمر به فنحر فی منزله بمکة فقال له عبّاد: نحرّت

الهدى فى منزلک وترکت أن تنحره بفناء الکعبة وأنت رجل يؤخذ منك؟ فقال له: ألم تعلم أنّ رسول الله - ص - نحر هديه بمنى فى المنحر وأمر الناس فنحروا فى منازلهم وكان ذلك موسعا عليهم فکذلك هو موسّع على من ينحر الهدى بمكة فى منزله إذا كان معتمرا». (18)

مرحوم نراقى مى نويسد:

«أما بعض الأخبار المتضمنة لهدى الإمام فى غير منى فقضايا فى وقایع لا يفيد عموما ولا إطلاقا فلعلّ هديه كان فى عمرة أو مندوب». (19)

بررسى روايت فوق نه تنها نمى تواند شاهد حمل روايت معاوية بن عمار بر عمره باشد، بلکه ظاهرش مؤيد مفاد روايت معاوية بن عمار است و بر جواز ذبح در مکه دلالت دارد؛ زیرا وقتى عباد بصرى به امام اعتراض مى کند که چرا هدى عمره را در منزل خود ذبح نمودی؟ امام - ع - در پاسخ مى فرمايد: همچنانکه در هدى تمتع پیامبر خود، در منا ذبح کرد و برای مردم توسعه داد و اجازه داد در منازل خود ذبح کنند در عمره نیز چنین است و مردم در توسعه هستند مى توانند در منازل خود ذبح نمایند (اگر چه پیامبر - ص - خود در کنار کعبه ذبح نمودند).

نتیجه گیرى

تا کنون ثابت شد راه حلهایی که برای جمع میان اخبار ارائه گردیده هیچ کدام تمام نیست و از نظر فنى وقتى جمع عرفى میان اخبار متعارض ممکن نشد نوبت مى رسد به اجرای قواعد «تعادل و ترجیح». از این زاویه وقتى این دو دسته از روایات مورد ملاحظه قرار گیرد، معلوم مى گردد که از دو جهت ترجیح با روایاتی است که دلالت بر عدم جواز ذبح در غیر منا دارد؛ زیرا این دسته از روایات هم موافق با عمل مشهور فقها است.

مرحوم ملا محمد باقر سبزواری مى نويسد:

«الثالث وجوب ذبحه بمنى وهذا الحكم مقطوع به فى كلام الأصحاب واسنده فى المنتهى والتذكرة إلى علمائنا». (20)

و هم مخالف با عامّه است؛ زیرا اکثر مذاهب عامّه ذبح در غیر منى را جایز مى دانند. و در جای خود ثابت شده که این دو (موافقت با مشهور و مخالفت با عامه) جزء مرجحات هستند و در نتیجه تقدم با اخبارى است که دلالت بر عدم جواز ذبح در غیر منا دارد.

لیکن مشکلی وجود دارد و آن این است که تقدّم دسته دوم از روایات منوط بر این است که از نظر سند و دلالت تمام باشند تا توان معارضه با روایات دسته سوم که دلالت بر توسعه محل ذبح دارد، را داشته باشند لذا باید سند و دلالت یکایک این اخبار رسیدگی بشود.

روایت اوّل روایت ابراهیم کرخى است، این روایت گرچه از نظر دلالت روشن است ولی از نظر سند مشکل دارد؛ زیرا ابراهیم کرخى مجهول بوده و توثیق نشده است. روایت عبدالأعلى هم از نظر سند مشکل دارد و هم از نظر دلالت؛ زیرا در سند آن عبدالأعلى قرار دارد که مردّد است بین ضعیف و موثق و از نظر دلالت نیز قابل مناقشه است؛ زیرا جمله «لا ذبح إلا بمنى» در سیاق جمله «لا هدى إلا من الإبل» قرار گرفته. جمله «لا هدى...» مسلم در مقام بیان کمال است نه صحت روی اتحاد سیاق جمله «لا ذبح...» نیز مرتبه کامل ذبح را بیان کند و کمال ذبح آن است که در منا واقع شود و یا لا اقل احتمال این معنا در روایت هست در نتیجه مجمل مى شود. روایت مسمع نیز هم از نظر سند مشکل دارد و هم از نظر دلالت. از نظر سند ضعف آن به خاطر قرار گرفتن

حسن لؤلؤی در سلسله سند است و از نظر دلالت نیز مورد مناقشه است؛ زیرا این روایت می گوید: تمام منا منحر (محل نحر) است اما دلالت ندارد، که غیر منا منحر نیست. (اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند) بله از جمله «منا کله منحر» استفاده می شود که برای منا خصوصیتی است اما شاید آن خصوصیت این باشد که دلالت کند همه منا منحر است، بخلاف جاهای دیگر که ممکن است یک قسمت آن منحر باشد.

باقی می ماند تنها روایت منصور بن حازم، این روایت گرچه از نظر سند صحیح است اما از نظر دلالت قابل مناقشه است و مرحوم صاحب جواهر با یک جمله کوتاه به آن مناقشه اشاره کرده، می نویسد:

«لكن فيه أنه مبني على اجزاء التبرّع وإلا كان مطرحاً». (21)

«لیکن اشکال روایت این است که روایت مبتنی است بر کفایت ذبح تبرعی والا روایت مطروحه خواهد بود.» چنانکه مرحوم صاحب جواهر اشاره کرده، دلالت روایت مبتنی بر این است که نیابت تبرعی در ذبح مجزی باشد؛ زیرا روایت در مورد نیابت تبرعی وارد شده است و فقها قائل به عدم اجزاء نیابت تبرعی هستند بنابراین عملاً این روایت را طرح کرده و به آن عمل نکرده اند تنها دلیلی که باقی می ماند سیره عملی مسلمانان است که از زمان پیامبر تا کنون ادامه دارد دینی هم از ناحیه شارع نشده است.

مصرف قربانی

بی شک هر یک از اعمال پر از حرکت و برکت حج، دارای اسرار و حکمت های فراوانی است؛ یکی از این اعمال، عمل قربانی در روز عید قربان در صحرای منا است. از آیات قرآن روایات امامان معصوم - علیهم السلام - استفاده می شود که یکی از حکمتهای بسیار مهم قربانی، اطعام مساکین و سیر کردن گرسنگان است. در نصوص دینی مصرف گوشت قربانی به عنوان یک واجب در کنار ذبح معرفی شده و در حقیقت از ارکان قربانی محسوب می گردد لذا فقیهان نامدار شیعه هر گاه از قربانی بحث می کنند بلافاصله از مصرف آن نیز سخن به میان می آورند و کیفیت مصرف آن را نیز بیان می کنند. مرحوم صدوق - ره - می نویسد:

«ثُمَّ امض الی منی... ثُمَّ اشتر هدیك... ثُمَّ کل وتصدّق واطعم واهد إلی من شئت». (22)

ابی الصلاح حلبی می نویسد:

«ثُمَّ یرجع إلی منی فیشتری هدیا لمتعته... والیأكل من هدیه ویطعم الباقي». (23)

و همچنین مرحوم شیخ در «النهایه»، (24) ابن بَرّاح در «المذهب فی الفقه»، (25) ابن حمزه در «الوسیله»، (26) کیزی در «اصباح الشیعه» (27) و... درباره مصرف گوشت قربانی فتوا داده اند گروهی قائل به وجوب تقسیم آن به سه قسمت شده که قسمتی را خودش مصرف کند و قسمتی از آن را هدیه دهد و قسمتی را نیز به مستمندان بدهد.

دلایل لزوم مصرف گوشت قربانی

الف: آیات در تعدادی از آیات قرآن به صراحت دستور به خوردن و خوراندن گوشت قربانی داده شده؛ از آن جمله است:

1 - «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»؛ (28)

«مردم را به حج دعوت کن، تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند تا شاهد منافع

گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند. و در ایام معینی نام خدا را بر چهار پایانی که روزیشان کرده ایم (به هنگام قربانی) ببرند. پس از گوشت آنها بخورید و بینوایان فقیر را نیز اطعام نمایید.»

در آیات فوق بهره بردای از گوشت قربانی را از جمله منافع حج برشمرده و جالب این است که خدای متعال از میان همه منافع حج روزی «بهیمة الأنعام» را مطرح ساخته و دستور داده است که خود حاجی از این نعمت الهی بخورد و انسانهای بیچاره و مستمند را از آن بخوراند.

2 - «وَالْبُذْنُ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ، كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُمْ لِنُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ»؛ (29)

«شترهای چاق و فربه را (در مراسم قربانی حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیر را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را به جا آورید نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد تقوا و پرهیزکاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخر شما ساخته، تا او را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید و بشارت ده نیکوکاران را.»

3 - جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقِلَادَ ذَلِكَ لِيَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ (30)

«خداوند، کعبه - بیت حرام - را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی نشان و قربانیهای نشان دار را؛ این گونه احکام (حساب شده و دقیق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است می داند خدا به هر چیزی داناست.»

در آیه فوق «الشهر الحرام والهدی والقلائد» عطف بر «الکعبه» و درحقیقت آنها نیز مفعول اول برای «جعل» می باشند و مفعول دوم آن؛ یعنی «قیاما للناس» به قرینه ما قبل حذف شده و در حقیقت آیه قربانی های بی نشان و بانیشان حج را به عنوان قیام و قوام زندگی انسانها معرفی کرده و از جهت «قیاما للناس» بودن در ردیف کعبه قرار داده است و در قسمت دوم آیه فرمان به ذبح قربانی را، فرمانی برخاسته از علم گسترده خداوند معرفی کرده که نشان دهنده اسرار و حکمتهایی است که در این تکلیف الهی نهفته است.

ب: روایات روایات فراوانی دلالت بر مصرف قربانی و کیفیت مصرف آن دارد که چند نمونه از آن را می آوریم:

1 - «عن معاوية بن عمار، عن أبي عبد الله - ع - قال: إذا ذبحت أو نحرث فكل وأطعم كما قال الله: «فكلوا منها واطعموا القانع والمعتّر» فقال القانع الذي يقنع بما أعطيته والمعتّر الذي يعتريك والسائل الذي يسألك في يديه، والبائس الفقير». (31)

2 - «عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله، عن أبي عبد الله - ع - في قول الله - جلّ ثنائه - «فإذا وجبت جنوبها» قال إذا وقعت على الأرض فكلوا منها واطعموا القانع والمعتّر...». (32)

3 - «محمد بن علي بن الحسين قال، قال رسول الله - ص - إنما جعل الله هذا الأضحى لتشبع مساكينهم من اللحم فاطعموهم». (33)

شایان ذکر است که منظور آن دسته از فقیهان که تقسیم گوشت قربانی را به سه قسمت مستحب می دانند،

این است که شخص نسبت به تثلیث گوشت قربانی تکلیف وجوبی ندارد، نه این که نسبت به اصل مصرف گوشت قربانی تکلیفی نداشته باشد و مجاز باشد در این امر اسراف کند، بلکه ظاهر آیات و روایات باب دبح این است که خوراندن قربانی به فقیران مستمندان لازم است. و به فرض که ادله این باب دلالت بر وجوب مصرف نکند، ادله حرمت اسراف و تبذیر شامل مورد می شود و دلالت می کند بر حرمت دور انداختن بی مصرف گذاشتن گوشت قربانی. وقتی به مصرف نرساندن گوشت قربانی حرام بود، مصرف آن واجب می شود.

مشکل کنونی قربانی در منا:

پیشتر ثابت گردید که واجب است قربانی حج، تمتع در سرزمین منا ذبح شود و گوشت آن به مصرف فقیران و مستمندان برسد. لیکن با کمال تأسف در حال حاضر هیچ یک از این دو واجب امکان اجرا ندارد؛ زیرا از طرفی قربانگاه های فعلی که حجاج وظیفه دارند در آن جا قربانی کنند در منا نیست بلکه در وادی محسر و وادی معیصم قرار دارد. و از طرف دیگر با توجه به کثرت قربانی و کم بودن فقیران و محتاجان و نیز رعایت بهداشت بخش اعظم این گوشت ها بی مصرف مانده، سوزانده و از بین می رود. حال چه باید کرد؟

راه حل های پیشنهادی:

برای حل مشکل قربانی چند راه حل پیشنهاد شده که در ذیل طرح و بررسی می گردد:

کشتن قربانی در (وطن) برای جلوگیری از هدر رفتن و اسراف این نعمت خدا و رعایت ترتیب میان اعمال روز عید در منا لازم است حجاج محترم هنگام حرکت از وطن یا با تلفن به یکی از اعضای خانواده و یا فامیل خود وکالت دهد که روز عید قربان در ساعت معین گوسفندی یا گاو و ... را به نیت قربانی ذبح نموده و گوشت آن را میان مستمندان تقسیم کنند و حجاج در روز عید پس از اطمینان از ذبح، حلق یا تقصیر نمایند.

دلیل این راه حل این راه حل مبتنی بر چند عضو مهم است که به ترتیب نقل می شود:

1 - هیچ یک از قربانگاههای فعلی در منا نیست پس شرطیت مناز بین رفته و هیچ دلیلی بر تقدم وادی محسر یا رعایت اقریبیت به منا وجود ندارد.

2 - آیات و روایات قربانی، ناظر به قربانی هایی است که مصرف می شود. و هیچ یک از آیات و روایات قربانی اطلاقی ندارند که شامل قربانی هایی که مصرف نمی شود و سوزانده و از بین می رود، نیز بشود.

3 - به فرض که ادله قربانی اطلاق داشته باشد، نسبت میان ادله قربانی و ادله حرمت اسراف، عموم من وجه است و ماده اجتماع همین قربانی هایی است که بی مصرف رها شده از بین می رود. ادله قربانی در منا دلالت دارد بر وجوب این قبیل قربانی ها و ادله حرمت اسراف دلالت می کند بر حرمت آنها. چه کسی گفته تقدم با ادله وجوب قربانی در منا است. افزون بر این که در وضع فعلی دعایت شرطیت منا در هیچ صورتی ممکن نیست، در حقیقت، امر دایر است میان قربانی در وادی محسر که نه رعایت شرطیت منا شده و نه رعایت مصرف گوشت و قربانی در وطن که تنها شرطیت منا مقصود است اما مصرف آن کاملاً رعایت می شود. طبیعی است که راه دوم محذور کمتری دارد و باید رعایت شود.

مرحوم آیت الله خوئی، مسأله فوق را از مسائل مستحدثه شمرده و در صورتی که تعذر ذبح در منا تا آخر ذی

حجه ادامه داشته باشد، شرطیّت ذبح در منا را ساقط دانسته و فرموده است: هر جا که بخواهد می تواند قربانی کند.

آیه الله خویی برای اثبات مدعای خود این گونه استدلال کرده است:

«کتاب و سنت به اتفاق دلالت می نمایند بر اصل وجوب هدی. ما به دلیل روایات متعددی که دلالت بر وجوب ذبح در منا داشت، اطلاقات را مقید کردیم به منا. لیکن ادله مقید ما اطلاق ندارد و دلالت نمی کنند بر تقیید مطلق بلکه دلالت دارند بر اصل تقیید به طور اجمال. حال که عمل به این ادله متعذر است و قید «منا» متعذر است مرجع اطلاقات، ادله ای است که دلالت می کند بر اصل وجوب ذبح و مقتضای این اطلاقات جواز ذبح است در هر جایی که باشد.» (34)

بیان فوق به صورت فنی راه حل پیشنهادی را تقویت می نماید.

بررسی

اکثر دلایل این راه حل، قابل مناقشه است که اینک یکایک آنها را می آوریم:

پاسخ دلیل اول: مهمترین دلیل راه حل فوق، همان دلیل اول است که از جهات گوناگون قابل نقد است و در حقیقت این دلیل مبتنی بر پیش فرض هایی است که هیچکدام تمام نیست؛ زیرا: اولاً: مبتنی بر این است که هیچ یک از قربانگاه های فعلی در «منا» نباشد یا اگر هست ذبح در آن قربانگاهها عسر و حرج یا منع قانونی داشته باشد و این امر ثابت نیست و طبق اظهار نظر بعضی از افراد مطلع، هنوز در خود منا مذبحهایی هست که بدون هیچ مشکل تعدادی می توانند در آنجا قربانی کنند و همچنین قسمتی از مسلخ های جدید نیز در «منا» واقع است.

ثانیا: مبتنی بر این فرض است که بین روز دهم و روزهای یازده و دوازده از جهت ذبح در منا تفاوتی نباشد. اما اگر امکان داشته باشد که در روزهای بعد بدون عسر و حرج و منع قانونی در منا قربانی کند طبق نظر کسانی که تأخیر را خلاف احتیاط وجوبی می دانند وظیفه دارد تأخیر بیندازد؛ زیرا امر دایر است بین کنار رفتن احتیاط وجوبی (زمان ذبح از عید قربان تأخیر نیفتند) و کنار رفتن فتوای مسلم (که ذبح باید در منا واقع شود). روشن است که باید به خاطر رعایت فتوا، از احتیاط وجوبی دست بکشد. اما طبق نظر کسانی که صریحا فتوا می دهند به عدم جواز تأخیر ذبح از روز عید امر دایر است میان دو فتوا یکی تعین ذبح در روز عید قربان و دیگری تعین ذبح در منا و فرض این است که جمع میان آن دو هم ممکن نیست و طبق صناعت باید قائل به تخییر باشیم نه سقوط تکلیف ذبح در منا.

ثالثا: این دلیل مبتنی بر این است که وادی محسّر جزء منا نباشد. در حالی که بعضی از فقها بر این باورند که وادی محسّر جزء منا است و مرحوم شهید ثانی این نظریه را به بسیاری از فقها نسبت داده، می نویسد:

«و (محل الذبح) لهدی التمتع (والحلق منی وحدها من العقبة) وهی خارجه عنها (إلی وادی محسّر) ویظهر من جعله حدّا خروجه عنها ایضا والظاهر من کثیر ائمه منها.» (35)

«محل ذبح هدی تمتع و حلق، منا است و حد منا از عقبه (و خود عقبه خارج از منا است) تا وادی محسّر است. از این که وادی محسّر را حد منا قرار داده ظهور در خروج وادی محسّر از منا است. در حالی که ظاهر از کلمات بسیاری از علما این است که وادی محسّر جزء منا است.»

و بدون شک حجاج می توانند بدون هیچ عسر و حرج و منع قانونی، در مسلخ های جدیدی که در وادی محسّر

ساخته شده قربانی کنند و امکان قربانی در وادی محسّر طبق این نظر در حقیقت امکان قربانی در منا است. رابعا: مبتنی بر این است که اقربیت به منا و اتصال به آن، بعد از تعدّر ذبح در منا، خصوصیتی نداشته باشد و این مطلب ثابت نیست؛ زیرا محتمل است اقربیت به منا در امر ذبح نقش داشته باشد، وقتی این احتمال داده شد، امر دایر می شود بین تعین (وادی محسّر)تخیر (میان وادی محسّر و سایر امکنه) و در دوران بین تعیین و تخیر، عقل حکم می کند به احتیاط و اخذ به آن فردی که احتمال تعین را دارد؛ زیرا تنها در این صورت است که فراغ یقینی حاصل می شود.

خامسا: از ظاهر بعضی آیات هم تعین امکنه متصل به منا قابل استفاده است؛ مثلاً در آیه: «وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» قربانی را از شعائر الهی معرفی می کند. شعائر الهی معمولاً عبارت است از عباداتی که به صورت گروهی و دسته جمعی انجام می پذیرد؛ مثلاً نماز جماعت از شعائر الله شمرده شده اما نماز فرادا چنین نیست. این امر اقتضا دارد که قربانی ها در روز عید به صورت گروهی در مکان خاصی انجام پذیرد بنابراین فتوا به ذبح قربانی در وطن، این عمل بسیار مهم را از حالت شعائر الهی بودن خارج می سازد. دیگر این که در ادامه آیه می فرماید: «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمَعْتَرَّ»، معنایش این است که قربانی به گونه ای باشد که امکان خوردن و خوردن خود حاجی وجود داشته باشد (به نحو وجوب یا استحباب) و این اقتضا می کند که ذبح اگر در خود منا هم امکان نداشت در خارج منا منتهی متصل به منا انجام بگیرد تا امکان خوردن خوردن آن فراهم گردد.

این که فرمود: آیات و روایات اطلاق ندارد و منصرف است به قربانی هایی که مصرف می شود، ادعایی بیش نیست و ظاهر این است که خوردن و خوردن گوشت قربانی در فرض وجوب، وجوب مستقلاً است در کنار وجوب ذبح. بنابراین وجهی برای انصراف اطلاقات ادله وجوب ذبح باقی نمی ماند وانگهی انصراف گسترده ای نیست و اسباب و عواملی دارد که هیچ کدام در اینجا نیست.

اما مسأله اسراف گوشت های قربانی:

اولاً: مبتنی بر این است که هیچ راهی برای جمع میان ذبح در منا یا مکانهای متصل به منا و مصرف صحیح قربانی نباشد و این اول کلام است و در طرحهای بعدی میان آن دو جمع شده است. ثانياً: مبتنی بر این است که به این قبیل کارها که شخص برای ادای تکلیف انجام می دهد و ممکن است ده ها حکمت دیگر غیر از مصرف گوشت قربانی در آن باشد و... اسراف صدق کند. ثالثاً: بر فرض صدق اسراف ثابت شود که این گونه اسرافها حرام است و از بعضی روایات استفاده می شود که اسراف در امر حج مبعوض شارع نیست. ابن ابی یعفور از امام صادق - ع - نقل می نماید که آن حضرت از پیامبر گرامی اسلام نقل نموده که فرمود:

«ما من نفقة أحبّ إلى الله عزّوجلّ من نفقة قصد ويبغض الإسراف إلاّ في الحجّ والعمرة...» (36)

راه حل پیشنهادی دیگر: این راه حل به چند امر به ترتیب ذیل مبتنی است:

- 1 - به اندازه مصرف روز عید قربانی شود. 2 - بقیه در طول ذیحجه و در منا یا سراسر حرم، قربانی و تقسیم گردد.
- 3 - اضافه مصرف ذیحجه در حرم در یخچالها و سردخانه ها به نفع فقرا نگهداری گردد. 4 - در صورت عدم امکان زمانی و مکانی قربانی یا عدم امکان تقسیم یا نگهداری گوشتها پولهایش میان فقرای منا و در مرحله دوم فقرای

حرم، از همان روز عید تا آخر ذیحجه تقسیم شود و مازاد آن به سایر فقرای مسلمان داده شود. (37)

بررسی

این راه حل از چند جهت در حال حاضر قابل اجرا نیست؛ زیرا:

اولاً: اجرای این طرح منوط به وجود یک تشکیلات منظم است که ناظر به امر ذبح باشد تا بتواند اندازه مصرف روز عید را مشخص کند، از گوشت مازاد به طور کامل نگهداری نماید و... و راه اندازی چنین تشکیلاتی با چنین اختیارات و امکانات در حال حاضر یک ایده آل بیش نیست. ثانیاً: این که فرمود: در صورت عدم امکان رعایت زمان و مکان قربانی و...، قربانی تبدیل به قیمت می شود، نیازمند به اثبات است و نویسنده محترم به اثبات آن نپرداخته است. طرح فوق ایرادهای دیگری هم دارد که برای رعایت اختصار از آنها صرف نظر می کنیم.

راه حل عملی و قابل اجرا: راه حلی که هم قابل اجرا و هم از نظر شرعی کمترین محذور را دارد و عبارت است از ذبح در مسلخ های جدیدی که اخیراً به صورت مکانیزه توسط بانک توسعه اسلامی وابسته به کشورهای اسلامی و همکاری دولت عربستان تأسیس شده؛ زیرا:

اولاً: گوشت حاصل از قربانی در این مسلخ ها با وسائل پیشرفته بسته بندی شده و برای نیازمندان کشورهای اسلامی ارسال می گردد.

ثانیاً: از نظر رعایت مکان ذبح این مسلخ ها، گر چه از بعضی مسلخ های دیگر دورتر است و لیکن در مجموع مسأله اتصال به منا و حفظ شعاریت قربانی در آن، محفوظ است.

ثالثاً: از نظر رعایت زمان ذبح: با هماهنگی قبلی امکان ذبح قربانی، در روز عید در این مسلخ ها فراهم است و شرط زمانی قربانی نیز رعایت می شود.

رابعاً: از جهت رعایت شرایط دیگر ذبح و قربانی نیز مشکلی وجود ندارد و با هماهنگی قبلی، رعایت همه شرایط ممکن است. به همین جهت در استفتایی که جناب حجة الاسلام المسلمین سید علی قاضی عسکر معاون آموزش و تحقیقات در بعثه مقام معظم رهبری از محضر آیات عظام مرحومان گلپایگانی و اراکی نمودند، هر دوی این بزرگواران فتوا به جواز ذبح در این مسلخ های مکانیزه داده اند. این نوشتار را با نقل فتوای این دو بزرگوار به پایان می بریم:

آیت الله گلپایگانی: «در فرض مسأله، چنانچه سایر شرایط صحّت ذبح در مذابح مذکور، محقق باشد رعایت اقریبّیت به منا واجب نیست اگر چه اولی و مطابق احتیاط است.»

آیت الله اراکی: «ذبح در مسلخ های جدید التّأسیس در فرض عدم امکان ذبح در منا در صورتی که شرایط شرعی ذبح رعایت شود مانعی ندارد، هر چند نسبت به سایر مسلخ ها از منا دورتر باشد و رعایت اقریبّیت به منا لازم نیست.»

پی نوشت ها :

1 - بقره، آیه 196

2 - المقنع فی الفقه، سلسلة الینابیع، ج7، ص56

- 3 - المقنعة فى الفقه، سلسلة الينابيع، ج7، ص81
- 4 - الكافى فى الفقه، سلسلة الينابيع، ج7، ص161
- 5 - النهاية فى بحر الفقه والفتوى، ج7، ص200 و204
- 6 - السرائر، سلسلة الينابيع، ج8 ، ص55
- 7 - وسائل الشيعة، ج10، ص101، (باب10، ابواب الذبح، حديث5)
- 8 - وسائل الشيعة، ج10، ص92، باب4، ابواب الذبح، ح1
- 9 - همان، ج7، ص93
- 10 - همان.
- 11 - وسائل الشيعة، ج10، ص127، باب28، ابواب الذبح، ح2
- 12 - همان، ج10، ص92، باب4، ابواب الذبح، ح2
- 13 - بقره: 196
- 14 - وسائل الشيعة، ج9، ص306، باب2، ابواب الاحصار و الصّدّ، ح2
- 15 - تهذيب الاخبار فى شرح المقنعة للشيخ المفيد، ج5 ، ص202، ح10، فى الذبح، بيروت - دار صعب.
- 16 - مانند شيخ حسن صاحب جواهر، جواهر الكلام، ج19، ص121
- 17 - مجمع الفائدة والبرهان فى شرح ارشاد الأذهان، ج7، ص257، چاپ جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- 18 - ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد، ص163
- 19 - مستند الشيعة فى احكام الشريعة، ج2، ص259
- 20 - ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد، ج1، ص663
- 21 - جواهر الكلام، ج19، ص121
- 22 - المقنن فى الفقه، سلسلة الينابيع، ج7، ص37
- 23 - الكافى فى الفقه، سلسلة الينابيع، ج7، ص161
- 24 - النهاية، سلسلة الينابيع، ج7، ص204
- 25 - المذهب فى الفقيه، سلسلة الينابيع، ج7، ص312
- 26 - الوسيلى، سلسلة الينابيع، ج8 ، ص443
- 27 - اصباح الشيعة، سلسلة الينابيع، ص464
- 28 - حج: 28 - 27
- 29 - الحج آيات 36 و 37
- 30 - مائد: 97
- 31 - وسائل الشيعة، ج10، ص142، باب40، ابواب الذبح، ح1
- 32 - همان، ص144، باب40، ح12
- 33 - وسائل الشيعة، ج10، ص147، باب40، ابواب الذبح، ح22
- 34 - المعتمد فى شرح المناسك (كتاب الحج)، ج5 ، ص211 و212
- 35 - الروضة البهيه فى شرح اللمعة الدمشقيه، ج2، ص300
- 36 - وسائل الشيعة، ج8 ، ص106، باب55 ، ابواب وجوب حج، ح1

